

باسمه تعالی

۲ کلام مرحوم بروجردی در ملاک وحدت علم

۳ پاسخ مرحوم بروجردی به مرحوم آخوند

۳ مناقشه استاد در کلام مرحوم بروجردی

موضوع: کلام مرحوم بروجردی / تعریف علم اصول / مقدمه علم اصول

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در ضابطه وحدت علوم و معیار و تعریف علم واحد بود که معروف این بود که تمایز در علوم به تمایز موضوعات است مثلاً موضوع نحو، کلمه و موضوع فقه، عمل مکلف و موضوع اصول، حجت است اما مرحوم آخوند این نظریه را نپذیرفتند؛ زیرا اگر ملاک تمایز علوم، موضوعات باشد لازم می آید که هر مساله ای، علم مستقلی باشد چرا که موضوع هر مساله ای متفاوت با موضوع مساله دیگر است و آنگاه علم فاعل و علم مفعول و... علم مستقل خواهند شد. لذا مرحوم آخوند تمایز علوم را نه به تمایز موضوعات و نه به تمایز محمولات نمی دانند؛ بلکه ملاک تمایز علوم را صرفاً به تمایز اغراض میسر می دانند.

سپس ایشان فرمودند که هر مساله ای بحث از اغراض ذاتی موضوع علم می کند و مراد از عوارض ذاتی را این دانستند که آنچه در حمل و عروض، واسطه نداشته باشد و به عبارت دیگر یعنی محمولات حقیقتاً حمل شود و مانند جریان میزاب، مجاز و اسناد الی غیر ما هو له، نباشد، اما عرض ذاتی به معنای مقوله ی در مقابل جوهر و یا منتزع از ذات در این بحث مراد نیست؛ زیرا در این صورت تمامی مباحث علوم اعتباری، خارج از علم خواهند بود و در نتیجه وجوب و حرمت از فقه خارج خواهند بود؛ چرا که عرض نبوده و ذاتی هم نیست بلکه اعتبار حکمی در ضمن اعتبار موضوعی است.

نکته: برخی کلام مرحوم آخوند را اینگونه تبیین کرده اند که در عرض ذاتی لازم است که محمولات با واسطه حمل نشود و مانند حرکت من فی السفینه نباشد؛ زیرا حرکت در این صورت تبعی و اسناد حرکت به من فی السفینه مجازی است. در حالیکه این بیان اشتباه است و بین حرکت بالتبع و بالمجاز خلط شده است و لذا ملاک در عرض ذاتی این است که اسناد به غیر ما هو له نباشد در حالی که جالس فی السفینه حرکت دارد و لذا اسناد به غیر ما هو له نیست؛ زیرا افراد داخل سفینه نیز به تبع حرکت سفینه، حرکت دارند و سفر می کنند پس حمل حرکت بر من فی السفینه عرض ذاتی است.

بنابر این تفاوتی ندارد که مسائل علم عرض اصطلاحی باشند و یا از جواهر باشند و یا همانند علم فقه، اعتباری باشند همانطور که وجود واسطه در اثبات و ثبوت مانع از عرض ذاتی بودن و داخل در مساله علم بودن، نمی باشد.

کلام مرحوم بروجردی در ملاک وحدت علم^۱

در تقاریر از کلمات ایشان تهافت بدوی و عبارات متفاوتی مانند تمایز به محمولات و تمایز به موضوعات و.. به چشم می خورد که ظاهراً تفاوت در تعبیر از خود ایشان و به غرض توضیح کامل و وافی ناشی شده است. از مجموعه کلمات استفاده می شود. تمایز در علوم به تمایز در اغراض نیست بلکه تمایز علوم به اختلاف ذاتی و ماهوی در سنخ مسائل است و جهت جامعه علم، وحدت سنخیه مسائل است.

بنابر این مرادشان از تمایز در موضوعات، تمایز به لحاظ حیثیت عارض بر محمولات است؛ یعنی تمایز در سنخ محمولات ملاک تمایز علوم است و اگر بین محمولات مسائل مختلف سنخیت و خصوصیت ذاتیه مشترکه وجود داشت، علم واحد شکل می گیرد مثلاً سنخ مسائل علم نحو، بحث از احوال آخر کلمه از حیث اعراب و بناء است و سنخ واحدی دارند هر چند که محمولات متفاوت بوده و هر یک از اعراب یکی از کلمات بحث می کند.

بنابر این مهم تمایز در محمولات است اما نه تمایز شخصی تا اینکه بحث فاعل و مفعول علم مستقلاً باشند بلکه تمایز در سنخیت ملاک است و لذا بین مساله وجوب نماز و مرفوعیت فاعل سنخیتی نیست پس در دو علم هستند در حالیکه بین بحث فاعل و مفعول سنخیت است و هر دو بحث از احوال آخر کلمه دارند هر چند که تفاوت شخصی دارند پس در یک علم خواهند بود.

بنابر این هر چند که ایشان تصریح دارند که ملاک تمایز در علوم، تمایز در موضوعات است و لذا کلام مشهور را پذیرفته و بیان مرحوم آخوند را که ملاک را تمایز در اغراض می دانند، مردود دانسته اند، ولی مرادشان تمایز موضوع به لحاظ سنخ محمول است و لذا مثلاً بین صرف و نحو تفاوت است؛ زیرا موضوع علم صرف کلمه از حیث ساختار کلمه و موضوع علم نحو کلمه از حیث احوال آخر کلمه و اعراب و بناء آن است پس تعیین کننده وحدت و تعدد موضوع نیز حیثیت محمولات است و اگر محمولات در مورد ساختار کلمه باشند علم صرف و اگر در مورد اعراب کلمه باشند، علم نحو خواهد بود و لذا تفاوت در حیثیات حکم موجب تفاوت موضوعی خواهد شد و نباید به صرف ظاهر دو موضوع که همانند هم هستند نمی توان حکم به وحدت موضوع نمود؛ زیرا تعیین کننده وحدت موضوع نیز حیثیات است. پس می توان تمایز علوم را به تمایز موضوع و حیثیاتش دانست.

^۱ حاشیه الکفایه ج ۱ ص ۸ و لمحات الاصول ص ۶

بنابر این تعیین کننده وحدت علوم، سنخ محمولات است و لذا ممکن است با تفاوت در موضوع و محمول نیز علم واحد شکل گیرد؛ زیرا میزان اصلی وحدت علم صرفاً به وحدت سنخیه محمولات است پس اینکه ایشان تمایز را به موضوعات دانسته و در جای دیگر تمایز را به جهت مشترکه محمولات دانسته است مشکلی ندارد مثلاً جهت مشترکه در علم نحو اعراب اواخر کلمه و در فقه جهت مشترکه بین محمولات، حکم و مجعول شارع که همان وجوب و حرمت و.... است و بین وجوب و حرمت وصحت و فساد جهت مشترکه وجود دارد و آن فعل مکلف به حیث قانون شریعت است پس فقه علمی است که از عوارض ذاتی فعل مکلف به لحاظ قانون شریعت بحث می کند و لذا با علم حقوق متفاوت است؛ زیرا حیث بررسی علم حقوق نسبت به فعل مکلف، حیث قانون دولت و حکومت است پس چون حیثیات در موضوع مسائل متفاوت شد، علم تفاوت کرد.

بنابر این اشکال مرحوم آخوند بر ایشان که در علم واحد از موضوعات متعددی بحث می شود وارد نیست؛ زیار ایشان وحدت موضوع را از حیث جهت مشترکه بین محمولات در نظر گرفته اند.

پاسخ مرحوم بروجردی به مرحوم آخوند

مرحوم آخوند ملاک در تمایز را به اغراض دانسته که این جهت موجب می شود که علم واحد، موضوع واحد داشته باشد. ایشان در پاسخ به کلام مرحوم آخوند فرموده اند غرض دو نحو است غرض اولی مانند غرض علم نحو که فهمیدن اواخر کلمه است و غرض ثانوی مثل ثروت اندوزی و هیچیک نمی توان ملاک تمایز علوم باشد.

مناقشه استاد در کلام مرحوم بروجردی

اینکه ایشان ملاک در تمایز در علوم را تمایز در سنخ ذاتی مسائل دانسته اند. بر فرض اینکه تفاوت با کلام مرحوم آخوند داشته باشد. تمام نیست؛ زیرا این تفاوت در سنخ، موجب تمایز ماهوی نمی شود چراکه ممکن است بین علم صرف و نحو سنخ واحدی لحاظ شود و لذا مسائل علم واحد بشوند پس تمایز این دو علم ماهوی و ذاتی نیست و همینطور در فقه بین معاملات و عبادات وحدت سنخیه وجود دارد؛ ممکن بود از همان ابتداء هر بحث را جدا کرده و هر یک را در علم مستقلی بحث کنند. چرا که این مباحث با یکدیگر تفاوت نیز دارند پس چگونه بین این مباحث ممکن است وحدت سنخیه لحاظ شود اما بین اصول عملیه و برخی مباحث فقه وحدت سنخیه نیست؟؟

بنابر این تمایز ماهوی بین بسیاری از علوم وجود ندارد، بلکه وحدت اعتباریه به استحسان طباع وجود دارد اما این وحدت، موجب تمایز ماهوی نخواهد شد.